

تبیین عوامل مؤثر بر توانمندسازی روستاییان در توسعه کارآفرینی

(مطالعه‌ی موردی: بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر)

سید حسن مطیعی لنگرودی* - استاد دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران

مجتبی قدیری معصوم - استاد دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران

فضیله دادورخانی - دانشیار دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران

جهانگیر یداللهی فارسی - دانشیار دانشکده‌ی کارآفرینی، دانشگاه تهران

زهرآ ترکشوند - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۴ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۷/۲۰

چکیده

کارآفرینی به‌عنوان ابزاری است در دست برنامه‌ریزان که جوامع را به‌سمت توسعه پیش ببرند. از آنجاکه همه‌ی جوامع یا همه‌ی افراد درون یک کشور، برای دستیابی به شرایط کارآفرینی موقعیت مساوی ندارند، باید شرایط لازم را برای توسعه‌ی کارآفرینی در سرزمین، ایجاد کرد. منطقی‌ترین مورد مطالعه در این پژوهش، بخش‌های زند و سامن شهرستان ملایر است. روستاییان این ناحیه، شرایط مطلوبی برای کارآفرینی ندارند. بنابراین، توانمندسازی روستاییان است که برای برگردن این خلأ تعریف شده است. در این پژوهش شرایطی که شایستگی لازم را در افراد برای تصمیم‌گیری به‌سبب‌وکار به‌وجود می‌آورد، در دو گروه فردی و محیطی با چهارده متغیر تعریف شده‌اند. جامعه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق کارآفرینان روستایی هستند که حداقل دارای سه سال سابقه‌ی فعالیت موفق در کسب‌وکار کنونی بوده و کار آنان به‌نوعی با نوآوری آغاز شده و تداوم این روند در فعالیت آنان قابل مشاهده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از توزیع پرسشنامه در بین ۵۳ نفر کارآفرین در دسترس در ناحیه استفاده شده است. برای فراهم کردن امکان مقایسه‌ی نتایج، همین تعداد از روستاییان ساکن در محدوده‌ی مورد مطالعه، به‌عنوان گروه کنترل مشارکت داده شدند. داده‌پردازی و تحلیل داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. روش مورد استفاده در هر دو گروه، تحلیل عاملی از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی بود. از بررسی مربوط به گروه کارآفرینان تعداد ده عامل مؤثر بر افزایش توانمندی روستاییان برای توسعه‌ی کارآفرینی شناسایی شدند. این عوامل به‌ترتیب اولویت در تأثیر عبارت‌اند از: عامل پشتکار، عامل سازمانی، مالی و اقتصادی، آموزش و الگوی نقش، استقلال فردی، تجربه‌های قبلی، خلاقیت، احساس موفقیت و عامل مرکز کنترل درونی. در نتیجه می‌توان گفت وجود عوامل فردی و محیطی یادشده در افزایش توانمندی روستاییان برای ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکار تأثیر دارد. عوامل مؤثر از منظر گروه کنترل در این تحقیق عبارت‌اند از: عامل سازمانی، عامل منابع مالی و اقتصادی، عامل مهارت و دانش، عامل خانواده، عامل عزت نفس، عامل مشارکت اجتماعی و عامل زیرساختی.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، کارآفرینی روستایی، تحلیل عاملی، بخش زند و سامن، شهرستان ملایر.

مقدمه

شواهد محکمی مبنی بر وجود رابطه‌ی علی بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و کاهش فقر وجود دارد (Chowdhury, 2007: 240). البته این تجربه آسان به‌دست نیامده است. سال‌های متمادی در پیاده‌سازی مدل‌های گوناگون رشد و توسعه وقت صرف شده و ناکامی‌های بسیاری در این امر اتفاق افتاده است. سهم عدم بهره‌مندی جوامع روستایی از رشد و توسعه در این جریان، شاید بیش از سایر اقشار است. شرایط محیطی و انسانی حاکم بر روستاها به‌گونه‌ای است که آنان را در انزوا قرار داده و باعث شده از فعالیت‌های مربوط به توسعه بهره‌ی کمتری ببرند. مهم‌ترین نمود این امر در نبود اشتغال، ناپایداری و عدم تنوع شغلی در روستاها است که مهاجرت به خارج روستاییان را در پی دارد (طاهرخانی، ۱۳۸۱: ۵۰؛ و فلیحی، ۱۳۷۹: ۲۰۳). اشکالات متعددی بر تداوم این وضعیت وارد است که پرداختن به آنها از دایره‌ی موضوعی این مقاله خارج است، ولی تخریب محیط‌زیست و افزایش فشار بر بدنه‌ی شهرها دو نمونه بسیار شایع آن است که پس از موضوع با اهمیتی چون زیر سؤال رفتن قدرت انتخاب روستاییان در ماندن یا ترک محل زندگی‌شان، قرار می‌گیرند.

سؤالی که مطرح می‌گردد این است که، آیا می‌توان شرایط محیطی و انسانی حاکم بر روستاییان را به‌گونه‌ای تغییر داد که انگیزه‌های کارآفرینانه در آنان تقویت شده و راه کارآفرین شدن را برگزینند؟ یا این که دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی برای توسعه، قبل از اعمال هر گونه تغییر، با دقت نظر شرایط مفید مؤثر بر تصمیم به ایجاد کسب‌وکار و توسعه کارآفرینی را شناسایی کنند و با تقویت آن شرایط و عوامل، فرایند کارآفرینی را برای روستاییان تسهیل و روند توسعه‌ی روستایی را تسریع نمایند. صرف‌نظر از اینکه تغییر تمامی شرایط امکان‌پذیر نیست، این پرسش‌ها مطرح می‌شوند که: به‌طور کلی چه شرایطی و به چه ترتیبی بر افزایش شایستگی روستاییان برای کارآفرینی مؤثرند؟ مؤلفه‌های تشکیل دهنده‌ی قابلیت کارآفرینی در روستاییان چیست؟

در این پژوهش به‌منظور روشن‌تر شدن زوایای امر، سؤالی که به‌طور مشخص طرح شده و مورد آزمون قرار می‌گیرد، این است که: آیا افزایش توانایی‌های فردی و امکانات محیطی سبب افزایش کارآفرینی روستایی می‌شود؟

مبانی نظری

کارآفرینان در همان‌گونه که از عوامل مهم تغییر در جامعه هستند، در فرایند توسعه‌ی اقتصادی نیز، از رازآلودترین شخصیت‌ها هستند. گرچه فعالیت هدفمند آنهاست که شکاف طرح و عمل را پر می‌کند، اما نحوه‌ی عمل آنها را به‌طور دقیق نمی‌توان مشخص کرد. شناخت و درک بهتر کارآفرینی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته نفع بسیاری برای بشریت دارد. کارآفرینی به‌طور مشخص کیفیتی نیست که یکپارچه توزیع شده باشد، بدین سبب عمده تحلیل‌گران براین باورند که ظهور کارآفرین تصادفی نیست. اگر پژوهشگران بتوانند ریشه‌های کارآفرینی را شناسایی کنند، سیاستگذاران قادر خواهند بود برای ارتقا و بهبود مهارت‌های کارآفرینی شیوه‌های آموزشی ابداع کنند (برول، ۱۳۸۸: ۱۰۶۶). در این رابطه یادآوری برخی نقطه‌نظرات در انتخاب شیوه‌های بهینه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی کمک کننده است. یک ایده‌ی مناسب موجود بر پرورش جوامع تأکید می‌کند، به‌گونه‌ای که خود آنها بتوانند ضعف‌ها و کمبودها و راه‌های برطرف‌سازی آنها را بیابند، در تصمیم‌های مربوط به خود شرکت نمایند، اعتماد به‌نفس داشته‌باشند و با عدم اتکا به نیروهای بیرونی مانند

دولت فرصت‌ها را به‌خوبی دریابند. این روش به‌اصطلاح توسعه‌ی درونی^۱ نام دارد. توسعه‌ی درون‌زا فرایند تمرکز بر خود و رشد متعادل است که از تجربه‌ها و دانش محلی بهره می‌گیرد و می‌پندارد که منابع طبیعی، انسانی و فرهنگی یک ناحیه کلید توسعه پایدار آن را دنبال می‌کند. توسعه‌ی درون‌زا فرصتی را برای جوامع روستایی فراهم می‌کند تا با آینده‌شان بیشتر درگیر شوند و به رهاکردن توان بالقوه درونی‌شان بپردازند (Stockdale, 2006: 356). در این روش دولت در نقش تسهیل‌گر ظاهر شده و برای تمامی افراد جامعه، درخور وضعیت آنها، نقشی تعیین شده‌است. افراد در حالی که برای توسعه تلاش می‌کنند، هدف آن نیز هستند. این روش به برنامه‌ریزی از پایین^۲ هم معروف است. به‌منظور درونی شدن توسعه‌ی کارآفرینی پیشنهادهایی مطرح شده که هر یک نقطه‌ی آغاز تحرک برای توسعه‌ی کارآفرینی را از جایی مانند اقتصاد، فناوری یا گسترش دانش می‌دانند.

در میان مطالعاتی که نقش‌های کارآفرین را مورد توجه قرار داده‌اند، میچلاسی^۳ (۲۰۰۳) یک مدل از رشد درون‌زا را ارائه کرد که در آن، تغییرات به پژوهشگران که اختراعات را ایجاد می‌کنند و کارآفرینان که شکل آنها را به نوآوری تبدیل می‌کنند، نیاز دارند. آکس و دیگران^۴ (۲۰۰۴-۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که یکی از موقفیت‌های ارائه شده به‌وسیله‌ی تئوری رشد درون‌زا ایده‌ای است که بر اساس آن سرمایه‌گذاری روی سرمایه‌ی انسانی، رشد اقتصادی را از طریق سرریز دانش به‌وجود می‌آورد. در مدل دیگری که مینیتی و لووسک^۵ ارائه داده‌اند، کارآفرینان یا پایه پژوهشی دارند یا تقلید کننده هستند. که در شکل دوم بازگشت مخارج هزینه‌شده برای تحقیق و توسعه ناچیز است. همانند بسیاری از اقتصادهای حاشیه‌ای، حضور تعداد زیادی از کارآفرینان تقلید کننده که رقابت را افزایش می‌دهند و ضروریات را تولید می‌کنند، لازم است. بدون توجه به اینکه کنش بین کارآفرینی پژوهش مبنا یا مقلد به‌چه نحوی است و به‌رغم صرف هزینه‌ی کم برای تحقیق و توسعه در کارآفرینی تقلیدی، برای ایجاد رشد اقتصادی کافی هستند (Minniti, Le Vesque, 2008: 605). در این رابطه از نقش و تأثیر حضور و فعالیت صنایع نیز نباید غافل شد؛ چرا که از پارامترهای اصلی تعیین صنایع روستایی به‌کارگیری آن در ارتباط با امکانات محلی است که فرد روستایی، قادر به درک و استفاده مؤثر از آن باشد. در واقع ایجاد یک توسعه درون‌زا در روستا برحسب مقتضیات و نیازهای روستا و کاربرد فناوری مناسب می‌تواند نقش بسزایی در باروری اقتصادی و امکانات تولیدی داشته‌باشد (مطیعی لنگرودی، اردشیری، ۱۳۸۶: ۴).

کافی و پولس^۶ (۱۹۸۴) مدل رشد درون‌زایی را پیشنهاد دادند که در آن به ایجاد کارآفرینی و کسب‌وکارهای محلی، رونق شرکت‌های محلی در فراسوی منطقه، تشکیل یک ساختار کنترل محلی و تأسیس یک بخش اقتصادی و کنترل شده ناحیه‌ای اهمیت دادند و آنها را وارد محاسبات خود نمودند. آنها بر اینکه اراده کارآفرینی یک جمعیت و مجموع استعدادهای درونی‌شان میزان تولید آنان را عرضه می‌دارد، پای فشردند که در نهایت، این دو از نظر اقتصادی از همان اهمیت عوامل کلاسیک اشتغال و اقتصاد برخوردارند (Stockdale, 2006: 356).

1. Endogenous development
2. Down up planning
3. Michelacci
4. Acs etal
5. Minniti & Le Vesque
6. Coffey & Poless

در حوزه ادبیات اصلاح دیوان‌سالاری^۱ به‌طور کلی می‌توان سه الگوی وبری، الگوی بازار و الگوی توانمندسازی را مورد توجه قرار داد. الگوی وبری هرچند که در کشورهای توسعه‌یافته به پایان عمر خود رسیده، اما هنوز پیش‌نیاز نظام‌های اداری کشورهای در حال توسعه است. این الگو مبتنی بر توسعه‌ی نظام سلسله‌مراتبی، برخوردار از تقسیم کار، تخصص‌گرایی و حدود مشخص است. الگوی دوم، رویکرد بازار را بهترین درمان دیوان‌سالاری می‌داند. به توصیه‌ی این الگو، نظام دیوان‌سالاری بایستی الگوی مدیریت بخش خصوصی را راهنمای خویش قرار دهد. این الگو که تحت عنوان مدیریت عمومی جدید شناخته می‌شود، در کشورهای بریتانیا، استرالیا و آمریکا پیاده شده‌است. الگوی سوم دیوان‌سالاری، رهیافتی نزدیک به اجتماع‌گرایی^۲ است که بر توانمندسازی و مشارکت اجتماعات تأکید می‌نماید. از این منظر راه‌های توانمندسازی دربردارنده‌ی کاهش سطوح میانی سازمان و ایجاد ساختارهای مشورتی است. این الگو بیشتر در کشورهای اسکندیناوی به کار برده شده‌است (ملک‌محمدی و قلجی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). دولت می‌تواند از طریق ایجاد آزادی اقتصادی کارآفرینی را رونق دهد. فریتس مک‌لوپ^۳ از اقتصاددانان مشهور این عمل را "زاینده‌ی آزادی" توصیف می‌کند: در فضای آزاد گرایش به سمت کشف فرصت‌های سودآور وجود دارد. افراد آن‌چه را که باید انجام شود، می‌دانند و می‌توان به آنها آزادی داد تا آن را انجام دهند (کیرزور، ۱۳۸۸: ۱۴۴۵).

با این توضیحات روشن‌سازی مفهوم توانمندسازی ضروری به نظر می‌رسد. رویکرد توانمندی انسانی را که نخستین بار آمارتیا سن^۴، برنده جایزه‌ی نوبل اقتصاد سال ۱۹۹۸ مطرح کرد، بیانگر آن است که رفاه فردی و ترتیبات اجتماعی بر این اصل استوار است که مردمان چه می‌خواهند و چه می‌توانند بکنند. در این دیدگاه در ارزیابی رفاه فردی، نگاه از مطلوبیت، منابع و درآمد، به سوی کارکردها می‌چرخد. کارکردها بر کار انسان‌ها و خواسته‌ها و مواردی چون برخورداری از تندرستی، امکان مشارکت اجتماعی، داشتن مسکن و... استوار است. کارکردها فراتر از جنبه مادی رفاه است و می‌تواند بالفعل یا بالقوه (توانمندی‌ها) باشد (محمودی، ۱۳۸۵: ۲۲۳). در تعریفی دیگر، توانمندسازی شامل اعطای قدرت، مسئولیت و اختیارات بیشتر به کارکنان و مدیران جهت تصمیم‌گیری، انجام برخی فعالیت‌ها و کنترل بیشتر بر مشاغلشان است (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۲). رویکرد توانمندی انسانی که تکیه‌گاه اصلی آن رشد و ایجاد توانمندی‌های انسانی است، رویکردی است که می‌تواند با پیوند دادن رشد‌گرایی و بازتوزیع، هدف‌های چندگانه‌ی توسعه را در فرایندی دوستانه و انسانی مبتنی بر برخورداری از زندگی دلخواه و آزاد، محقق سازد (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). اما عوامل مؤثر بر توانمندسازی از دیدگاه‌های متفاوتی دسته‌بندی شده‌اند. یکی از دیدگاه‌های معروف، دیدگاه اسپریتزر جرچن^۵ (۱۹۹۲) است. به باور وی عوامل اصلی مؤثر بر توانمندسازی عبارت‌اند از:

عوامل فردی: تحصیلات، سابقه کار، جنسیت، نژاد، کانون کنترل درونی، عزت نفس؛

عوامل گروهی: اثربخشی گروه، اهمیت گروه، اعتماد درون گروهی، ادراک افراد گروه نسبت به تأثیرشان بر مدیران؛

1. Bureaucracy
2. Communitarianism
3. Mc Loop, F.
4. Amartia, Sen
5. Spreitzer, Gretchen

عوامل سازمانی: ابهام در نقش، دسترسی به منابع، حیطة کنترل، دسترسی به اطلاعات، حمایت اجتماعی سیاسی، جایگاه فرد در سلسله مراتب سازمانی، جوّ مشارکتی واحد کار (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۲).
از نظر ویلیام^۱ (۱۹۹۱) چندین عامل برای تسهیل توانمندسازی روستاییان برشمرده شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: ۱- ارزیابی مثبت از خود، ۲- تمایل برای توانمند شدن، ۳- آگاهی از توانایی‌های بالقوه خود، ۴- کسب اعتماد به نفس، ۵- کسب انگیزه، علاقه و اشتیاق و ۶- شناخت عواطف و احساسات شخصی و کسب قدرت کنترل و هدایت آنها (فاضل‌بیگی و یآوری، ۱۳۸۸: ۴۸).

در این تحقیق دو محور عمده‌ی قابل بحث، کارآفرینی و توانمندسازی (ایجاد قابلیت) مطرح است. برای هر یک از این دو سوابق علمی و پژوهشی قابل توجهی در سطح دنیا و کشورها وجود دارد. اما در هنگام قرار دادن این دو مبحث در کنار و در ترکیب با هم، منابع پژوهشی کاهش می‌یابند. با این حال بهترین منابع در دسترس معرفی می‌گردند.
در مجموعه مقالاتی که در سال ۱۹۹۷ با عنوان "توسعه‌ی روستایی از طریق کارآفرینی"^۲ از سوی دفتر اروپایی فائو منتشر شده است، از طریق بررسی نمونه‌های موردی (چند ناحیه روستایی اروپا)، تجربه‌های واقعی و عملی از توسعه‌ی روستایی از طریق کارآفرینی ارائه شده است. در تمام مقاله‌ها این اثر به جوانب توسعه‌ی روستایی و نیازها و ضرورت‌های آن پرداخته شده و توانایی کارآفرینی به‌عنوان یک ابزار کارآمد برای برآورده نمودن این نیازها تأیید شده است. در نتیجه، نقاط روستایی، برخوردار یا محروم برای کارآفرینی و مستعد هدایت به سوی توسعه شناخته شده‌اند (Tea & Gannon, 1997: 103).

در مقاله‌ی "کارآفرینی روستایی در اروپا، یک چارچوب تحقیقی و دستور کار"^۳ که مستخرج از یک کار تحقیقاتی در همین رابطه است، فرصت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی روستایی شناسایی شده است. شیوه‌های برخورد و بهره‌برداری از این فرصت‌ها معرفی و بر امکان تبدیل محدودیت‌های موجود در فضای روستایی به‌عنوان فرصت، تأکید شده است (Stathopoulou, 2004: 420). پژوهش‌های دیگر به این اشاره دارند که کارآفرینی روستایی به‌وسیله‌ی ایجاد شبکه‌های اجتماعی، نهادهای مالی و فنی (سازمان‌های حمایت کارآفرینی) و فعالیت اقتصادی خوشه‌ها، افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند. تحقیق روبرت بوتمن^۴ هم تأیید می‌کند که سرمایه‌ی اجتماعی، چگونه یک شرط ضروری برای دستیابی جوامع کوچک به حیات پویای اقتصادی است. سرمایه‌ی اجتماعی از نظر وی سه منبع دارد. یکی منابع اجتماعی مثل تاریخ و فرهنگ جامعه، دیگری منابع فیزیکی (طبیعی) مثل ساخته‌های انسانی و محیط طبیعی (جنگل، خاک، منابع تجدید شونده و ...) سومین، منابع اقتصادی شامل ابزار سرمایه‌ای در ساخت محیط و سرمایه‌های مالی (Smith, 2002: 9).
در تحلیل ابعاد و عوامل مؤثر بر توسعه‌ی کارآفرینی کشاورزی مناطق روستایی، که در محدوده روستاهای شهرستان خدابنده و روی دو گروه از افراد کارآفرین و غیر کارآفرین انجام گرفته است، عوامل مؤثر به چهار دسته تقسیم شده و تأثیر آنها از نظر هر گروه مورد بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه کشاورزان عادی و به‌ترتیب اقتصادی، محیطی -

1. William

2. Rural development through entrepreneurship

3. Rural entrepreneurship in Europe, A research framework and agenda

4. Bootman, Robert

زیرساختی، اجتماعی و نهادی حائز اهمیت‌اند. تأثیرگذاری این عوامل از نظر کارآفرینان به این ترتیب است: عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی - زیرساختی و نهادی (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۸: ۶۶).

دیگر بررسی مربوط به تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرایند توسعه نواحی روستایی که در دهستان برآن جنوبی انجام پذیرفته‌است، میزان آشنایی افراد روستایی مشارکت داده شده در این مطالعه با زمینه‌ها و مهارت‌های کارآفرینی به میزان بسیار کم اعلام شده است (نجارزاده و رضوانی، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی زنان در مقاله‌ای با همین عنوان در یک جامعه‌ی ۱۳۹ نفره از زنان کارآفرین بررسی شده و از بین مؤلفه‌هایی که از نظر محقق دارای تأثیر بوده‌اند، مؤلفه‌ی ویژگی‌های شخصیتی و سرمایه‌ی انسانی مربوط به عوامل فردی، ارتباط با دوستان نزدیک و مجرب و قابل اعتماد مربوط به عوامل شبکه‌ای و عوامل فرهنگی، سیاسی و تکنولوژیک مربوط به عوامل محیطی با تأثیر بیشتری مورد تأیید قرار گرفته‌اند (گلرد، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

در رابطه با توانمندسازی و در یک جامعه‌ی آماری که کارکنان دانشگاه تهران در آن شرکت داشتند، پژوهشگران با استفاده از روش تحلیل عاملی و مدل معادلات ساختاری عوامل تأثیرگذار بر رهبری معنوی و تأثیر آن بر توانمندسازی کارکنان دانشگاه شناسایی نمودند که عبارت‌اند از: چشم‌انداز، عشق به نوع دوستی، ایمان، معناداری و عضویت (ضیایی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۲).

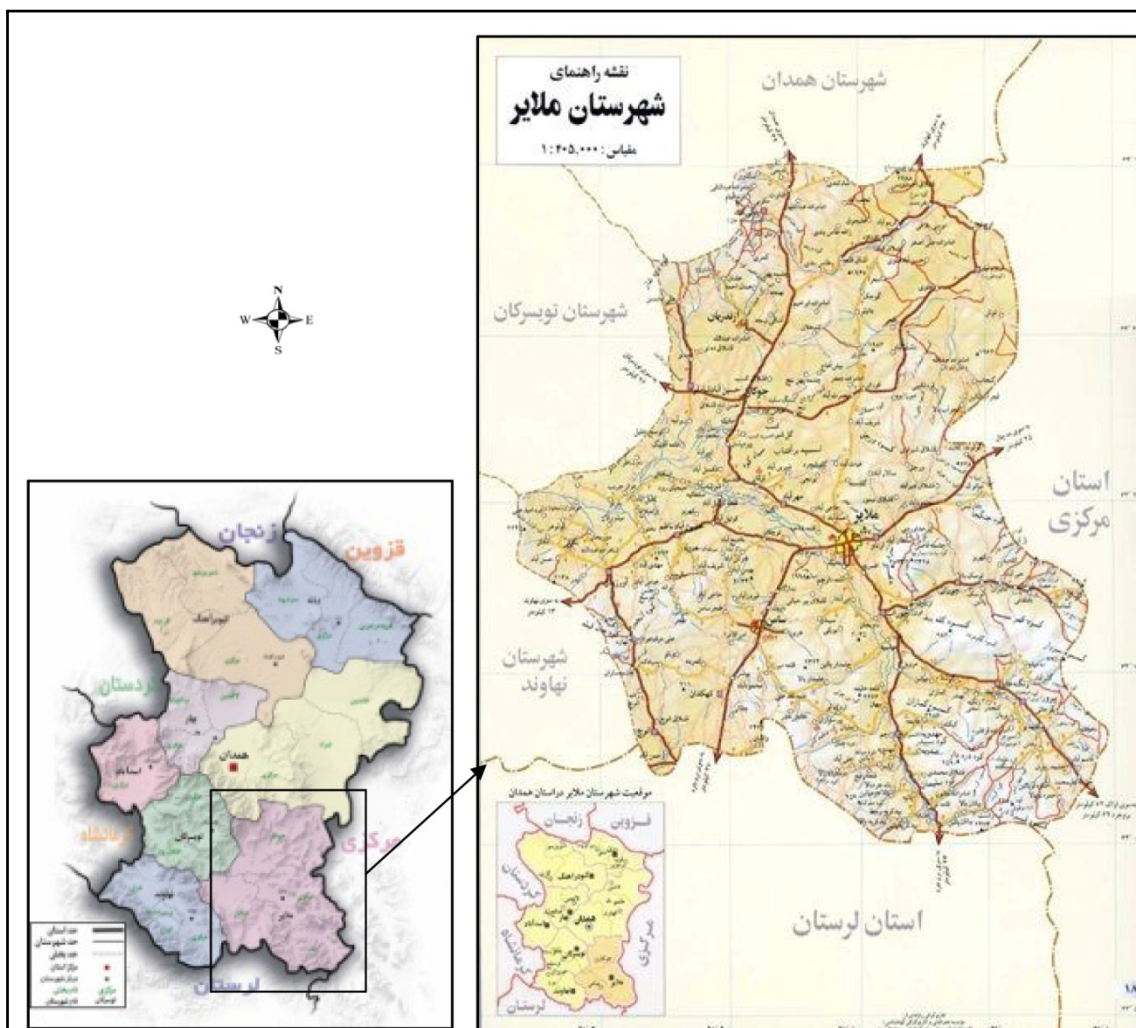
موضوع توانمندسازی زنان که در مقایسه با مردان قشر محروم‌تر اجتماع را تشکیل می‌دهند، مورد بررسی یکی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد است که در آن پس از بررسی اینکه توانمندی چیست؟ چرا باید زنان را توانمند ساخت؟ چارچوب پیشنهادی در سطح کلان، آگاهی فردی، آگاهی جمعی، قدرت توانمندسازی و قدرت سیاسی شناخته شده‌است. در این تحقیق راه‌های ممکن برای توانمندسازی معرفی شده‌اند که در رابطه با این مورد خاص، روش مشارکتی برای اجرا مناسب دیده شده است (رودافشان، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

در کار تحقیقی دیگری که با عنوان "خلاصه مدیریتی: ارزیابی فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران براساس مدل GEM" منتشر شده‌است، دو عامل از عوامل سه‌گانه لیننشتاین را دربر می‌گیرد. اول مجموعه‌ای از افراد که با تغییر وضع موجود به وضع مطلوب و ظرفیت‌های تکمیل‌کننده درون‌داد عمل می‌کنند که در این مدل از آنها با نام قابلیت‌ها یاد می‌شود تا حدی که در آن کارآفرینان توانمند به وضعیتهای متفاوت انگیزشی پاسخ می‌دهند، به‌خصوص جایی که فعالیت‌های غیرسنتی مطرح است و به‌عنوان گرایش در نظر گرفته شده‌است. وضعیت کارآفرینی ایران در دو دوره‌ی ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ مورد بررسی و مقایسه با خود و دیگر کشورهای عضو دیده‌بان جهانی کارآفرینی قرار گرفته‌است. ایران در برخی از عوامل مهم مانند حمایت‌های اقتصادی و سازمانی دچار افت شده و براین اساس مرتبه‌ی خوبی را در بین اعضا به‌دست نیاورده است (یداله‌ی و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۸).

پژوهش‌های یاد شده از این نظر که راه‌گشای کار فعلی باشند، مفید واقع شده‌اند؛ اما از این جهت که جامعه روستایی و ایجاد قابلیت کارآفرینی در نواحی مختلف، حالت‌های خاص خود را دارند و باید تلاش نمود که مدل ویژه و منحصر به فرد مربوط به آنها را تعریف کرد، این تحقیق با سایر تحقیقات انجام شده متفاوت است.

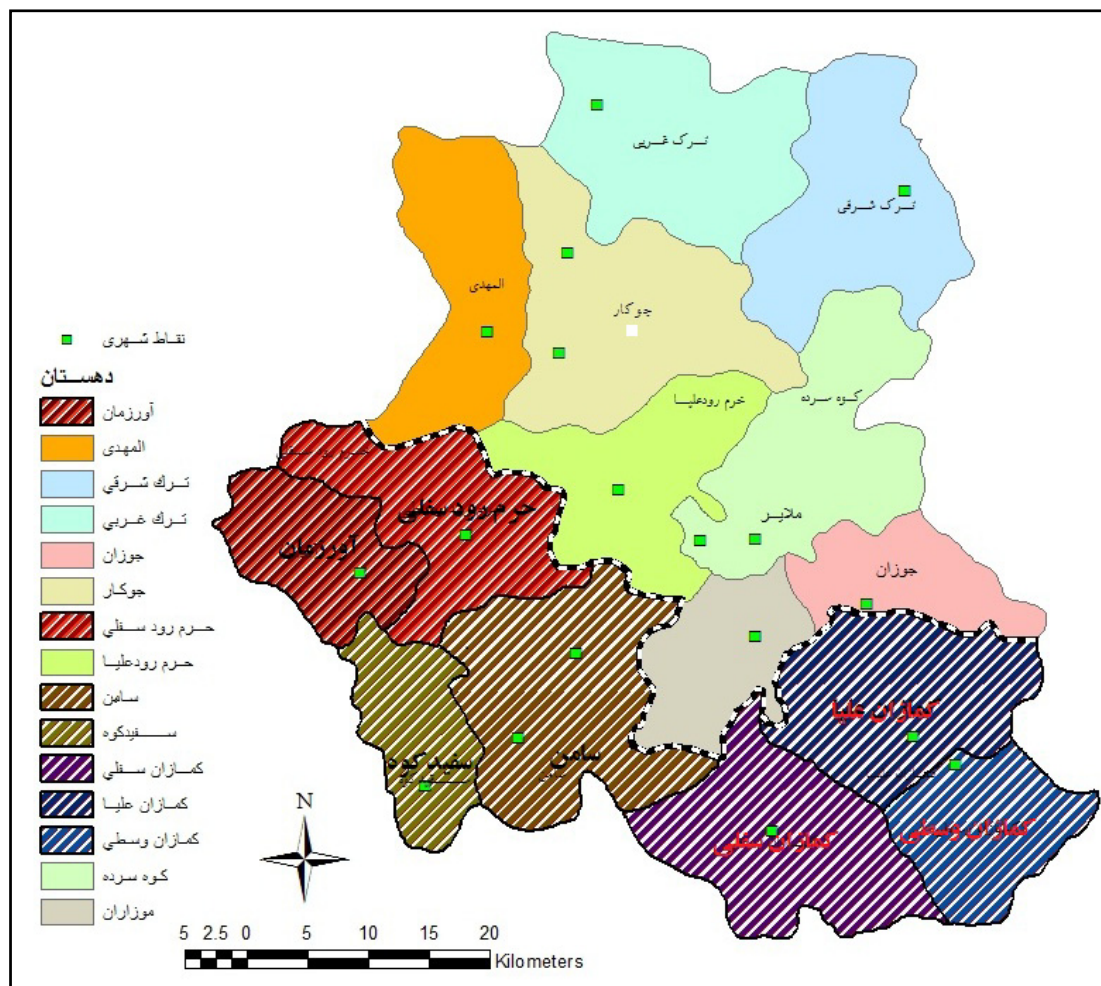
محدوده‌ی مورد مطالعه

در این پژوهش دو بخش سامن و زند از شهرستان ملایر، برای انجام تحقیق انتخاب شده‌اند. این دو بخش تنها دارای دو نقطه‌ی شهری کوچک هستند. عمده‌ی جمعیت این دو بخش در روستاها زندگی می‌کنند. این ناحیه در استان همدان (شکل شماره‌ی ۱) و در جنوب شهرستان ملایر (شکل شماره‌ی ۲) قرار گرفته‌است. جمعیت روستایی این دو بخش ۴۱۵۶۱ نفر است که در ۹۹ روستا ساکن هستند.



شکل ۱. نقشه‌ی موقعیت شهرستان ملایر در استان همدان

منبع: سایت فرمانداری شهرستان ملایر، ۱۳۸۹



شکل ۲. نقشه‌ی موقعیت بخش‌های زند و سامن در شهرستان ملایر

منبع: سایت فرمانداری شهرستان ملایر، ۱۳۸۹

روش تحقیق

این تحقیق بر مبنای هدف از نوع کاربردی است. بدین علت که در جهت توسعه و تبیین ابعاد و عوامل مؤثر بر توانمندی روستاییان برای گسترش کارآفرینی قرار دارد. نتایج حاصل از این پژوهش در حوزه نهادها و مراجع تصمیم‌گیرنده در سطح محلی و ناحیه‌ای (شهرستان) قابل استفاده است. رویکرد این تحقیق پیمایشی و با روش بررسی مقطعی^۱ است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه کارآفرینان با حداقل سه سال سابقه‌ی موفقیت‌آمیز کارآفرینی می‌باشد. که بنیان کاری آنان بر پایه‌ی نوآوری بوده‌است. به‌علت وجود محدودیت در حضور کارآفرینانی که مطابق با حداقل معیارها بتوان آنان را کارآفرین قلمداد نمود، تعداد ۵۳ نفر کارآفرین فعال در ناحیه مورد مطالعه در این تحقیق مشارکت داده شدند. در

واقع کارآفرینان در دسترس مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اطلاعات اولیه مورد نیاز از محل و نوع فعالیت این افراد از اداره‌های مربوط، در شهرستان جمع‌آوری شد. تعدادی نیز به‌روش پیمایشی در روستاها و با تحقیق درباره‌ی فعالیت آنان در این تحقیق مشارکت داده شدند. به‌لحاظ فراهم‌سازی امکان مقایسه‌ی نتایج، تعداد ۵۴ نفر از افراد غیر کارآفرین به‌عنوان گروه کنترل در این تحقیق مشارکت داده شدند. این افراد ساکن در محدوده‌ی مورد مطالعه بوده و از نظر شرایط سنی، جنسی و تحصیلات هیچ‌گونه محدودیتی در مشارکت آنان وجود نداشته. تنها وجه تمایز آنان با گروه کارآفرینان عدم اشتغال به کارهایی که در آن زمینه آموزش دانشگاهی یا حرفه‌ای دیده‌اند و در ضمن کسب‌وکار فعلی ایشان از موفقیت ناشی از نوآوری بی‌بهره است. ابعاد و مؤلفه‌های توانمندی با استفاده از منابع معتبر موجود به زبان فارسی و انگلیسی و نیز جمع‌بندی از کار پیشینیان در این زمینه، تدوین شدند (جدول شماره ۱). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، دو بعد کلی فردی و محیطی برای توانمندی در نظر گرفته شده است. بعد فردی دربرگیرنده‌ی تعدادی مؤلفه است که به فرد، ویژگی‌ها و توانایی‌های فردی برای کارآفرین شدن مربوط هستند و مؤلفه‌های بعد محیطی به حوزه‌های خارج از فرد تعلق می‌گیرند و بر کارآفرین شدن افراد تأثیر دارند که برای ارزیابی هر کدام از آنها شاخص‌هایی تعیین شده است. بنابراین ملاک این تقسیم‌بندی تأثیرگذاری عوامل از درون یا بیرون از فرد به‌طورکلی است. برای کسب اطلاعات و داده‌ها در این تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است. سؤالات در قالب گویه‌های پنج‌گزینه‌ای ترتیبی طراحی شده‌اند. طیف گویه‌ها از خیلی کم به ارزش صفر تا خیلی زیاد به ارزش چهار را شامل می‌شود.

به‌منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی تحقیق و تلخیص آنها و با اهداف تأییدی و اکتشافی از روش تحلیل عاملی استفاده شده است. روایی یا اعتبار اندازه‌گیری در این پژوهش به‌دلیل استفاده از روش تحلیل عاملی، نوعی از اعتبار سازه^۱ است که اعتبار عاملی نام دارد و اشاره به این دارد که آیا ابزار همان‌طور که فرض شده است از مفهوم استفاده می‌کند (خاکی، ۱۳۸۷: ۲۹۰).

به‌طورکلی از تحلیل عاملی برای همبستگی بین متغیرها استفاده می‌شود (کالین، ۱۳۸۰: ۷). داده‌های بالاتر از ۰/۷ برای تحلیل مناسب، داده‌های بین ۰/۵۱ تا ۰/۷ متوسط و داده‌های کمتر از ۰/۵ برای تحلیل نامناسب هستند (مهرعلی‌زاده و چینی‌پرداز، ۱۳۸۴: ۵۱). براساس ملاک کایزر فقط ملاک‌هایی نگه داشته می‌شوند که مجموع مجذور بارهای عاملی^۲ آنها (مقدار ویژه)^۳ یک یا بیشتر باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۷۳). سپس این خوشه‌ها یا عوامل را با توجه به آنچه که به‌وسیله‌ی سؤال‌های آزمون اندازه‌گیری می‌شوند نام‌گذاری می‌نمایند (عباس‌زادگان و فتوت، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های توانمندی مؤثر بر کارآفرینی روستایی

مقیاس	شاخص	مؤلفه‌ها	ابعاد توانمندی
ترتیبی	توانایی تجسم شکل نهایی نوآوری مورد نظر	مهارت	عوامل فردی*
ترتیبی	توان استفاده از ابزار و لوازم مورد نیاز در ساخت		
ترتیبی	مطلوبیت نوآوری در پایان کار		
ترتیبی	توانایی پیاده‌سازی تصویر ذهنی تا نهایی شدن نوآوری		
نسبتی	میزان مطالعه‌ی جراید	دانش و آگاهی	
نسبتی	میزان مطالعه‌ی کتب (عمومی، تخصصی)		
نسبتی	میزان مطالعه مجله‌های (عمومی، تخصصی)		
ترتیبی	تسلط به رایانه		
نسبتی	آموزش در بدو اشتغال		
نسبتی	آموزش ضمن خدمت		
ترتیبی	خوداتکایی	عزت نفس	
ترتیبی	مقبولیت نزد دیگران		
ترتیبی	احساس رضایت فردی		
ترتیبی	حس کمک به دیگران		
ترتیبی	احساس موفقیت		
ترتیبی	توانایی انجام امور	انگیزش و پشتکار	
ترتیبی	قدرت پی‌گیری امور		
ترتیبی	علاقه به کسب موفقیت‌های تازه		
ترتیبی	استقلال در انجام معاملات	استقلال فکری	
ترتیبی	مدیریت مستقل امور		
ترتیبی	موفقیت در انجام پروژه	استعداد فردی	
ترتیبی	موفقیت در زندگی		
ترتیبی	توان مدیریت		
ترتیبی	تأثیر نوآوری در موفقیت		
ترتیبی	خطر پذیری	مرکز کنترل درونی	
ترتیبی	واکنش در مقابل شکست		
ترتیبی	توان رقابت		
ترتیبی	توان کنترل شرایط بحرانی		

ادامه‌ی جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های توانمندی مؤثر بر کارآفرینی روستایی

مقیاس	شاخص	مؤلفه‌ها	ابعاد توانمندی	
ترتیبی	تمایل به ارتباط فامیلی	ارتباطات فردی	عوامل فردی*	
ترتیبی	ارتباط با سازمان‌ها و ارگان‌ها			
ترتیبی	تمایل به مشارکت (اجتماعی)			
ترتیبی	تمایل به شراکت و کار گروهی			
ترتیبی	سابقه‌ی داشتن شغلی دیگر	تجربه‌های قبلی		
ترتیبی	داشتن تجربه‌ی عدم موفقیت قبلی			
نسبیتی	میزان دسترسی به آموزش	زیر ساختی		عوامل محیطی**
ترتیبی	میزان دسترسی به نیروی کار			
ترتیبی	میزان دسترسی به اینترنت			
نسبیتی	میزان دسترسی به ابزار و لوازم مورد نیاز			
نسبیتی	میزان دسترسی به مواد اولیه			
ترتیبی	میزان دسترسی به سرمایه	منابع مالی		
ترتیبی	دسترسی به کمک‌های مالی اطرافیان			
ترتیبی	میزان دسترسی به اعتبار			
ترتیبی	ایجاد زمینه و تلاش برای پرورش خلاقیت	شرایط خانوادگی		
ترتیبی	ایجاد زمینه و تلاش برای پرورش مهارت			
ترتیبی	سابقه‌ی وجود کارآفرین در خانواده			
ترتیبی	میزان همکاری سازمان‌ها	سازمانی		
ترتیبی	تسهیلگری قوانین و مقررات			
ترتیبی	گسترش سازمان‌های مرتبط			
ترتیبی	میزان دسترسی به سازمان‌ها			
ترتیبی	گسترش اتحادیه‌ها و اصناف			
ترتیبی	میزان دسترسی به اتحادیه‌ها و اصناف			
ترتیبی	خدمات حمایتی			
نسبیتی	برگزاری کلاس‌های مربوط در منطقه	آموزش		
نسبیتی	دسترسی به مشاوره کارشناسان			
ترتیبی	میزان تطابق رشته‌ی تحصیلی با اشتغال کارآفرینی			

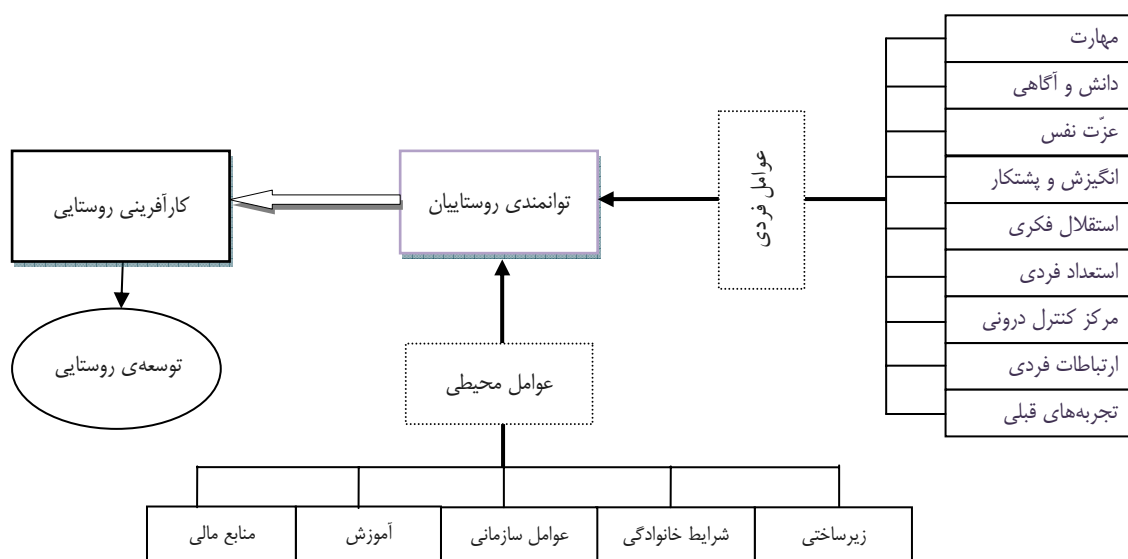
* عواملی هستند که به فرد و ویژگی‌های او برای کارآفرین شدن مربوط است.

** مجموعه عواملی هستند که به حوزه‌های خارج از فرد تعلق می‌گیرند و بر کارآفرین شدن وی تأثیر دارند.

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۸۹

مدل مفهومی تحقیق

در این مدل نوع ارتباط متغیرها توضیح داده شده است. مجموع ۱۴ عاملی که در این تحقیق در نظر گرفته شده‌اند، روی توانمندی روستایی تأثیر مستقیم دارند (شکل شماره ۳). تعدادی از این عوامل به ویژگی‌های شخصی و فردی برمی‌گردند و تعداد دیگری از آنها در فضای اطراف فرد واقع شده‌اند و به این ترتیب روی کارآفرین، تصمیم‌ها و رفتارهای وی تأثیر می‌گذارند. حضور و پرورش افرادی با توانایی‌های بالا سبب ایجاد کسب‌وکار، خود اشتغالی، افزایش ظرفیت تولید، نوآوری و پذیرش مخاطرات برای حل مشکلات روستا، تأمین نیازهای روستاییان (حل مشکلات اجتماعی)، افزایش ظرفیت اشتغال و حجم فعالیت برای دیگران و در نهایت توسعه‌ی کارآفرینی در نواحی روستایی می‌گردند.



شکل ۳. عوامل مؤثر بر توانمندی روستاییان برای کارآفرینی

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

سه رکن اساسی در طرح بسط‌یافته‌ی این مدل شامل: رکن اول، محیط (درونی و بیرونی) است که خود شامل واحدهایی است که عبارت‌اند از: کارآفرین که در مرکز محیط قرار دارد و عملکرد همه‌ی واحدهای موجود در محیط روی عملکرد کارآفرینی وی مؤثر است؛ خانواده؛ مدرسه؛ مسئولین محلی؛ سرمایه؛ نهادهای حمایتی و خصوصیت‌های فردی کارآفرین، اجزای رکن اول هستند که فرد را احاطه کرده‌اند. رکن دوم در این مدل، کارآفرین با قابلیت‌های کارآفرینانه است. هر چه فضای مورد نظر در اولین رکن مساعدتر و کامل‌تر باشد و همراهی بیشتری با کارآفرین داشته باشد، قابلیت‌های فردی بالاتر خواهد بود. رکن سوم که به وجود رکن دوم، وابستگی تمام دارد، منافی هستند که از فعالیت‌های کارآفرینان به جامعه و محیط کسب‌وکار می‌رسند. مهم‌تر اینکه از این پس در فضای به وجود آمده کارآفرینان هم یکی از واحدهای مهم موجود در رکن اول می‌گردند.

بحث‌ها و یافته‌ها

در این تحقیق با هدف کشف متغیرهای مؤثر بر توانمندی روستاییان در کارآفرینی، از روش چرخشی مؤلفه‌های اصلی، روش واریماکس و با استفاده از معیار کایزر، داده‌ها مورد تحلیل عاملی قرار گرفته‌اند. نتیجه‌ای که پس از چرخش‌های متعدد و حذف گویه‌ها و مؤلفه‌های بی‌اثر پدید آمد، جدول ۲ است که مشتمل بر مقدار ویژه‌ی عوامل و مقدار واریانس تبیین شده به‌وسیله آنها می‌باشد. مقدار ویژه عوامل ۱ تا ۱۰ بالای ۱ است و بقیه زیر این مقدار قرار گرفته‌اند. بنابراین آنچه اهمیت دارد، این عوامل ده‌گانه هستند. اولین عامل دارای بیشترین بار است و ۱۳/۶۹٪ واریانس را تبیین می‌کند. این ده عامل در مجموع ۸۸/۲٪ کل واریانس را تبیین می‌کنند. این رقم بسیار قوی و بنابراین قابل اعتماد است.

جدول ۲. مقدار ویژه، اشتراک متغیرهای غیر چرخشی و بار عامل‌های چرخش یافته

عوامل	مقدار ویژه			اشتراک متغیرهای غیر چرخشی			بارهای عاملی چرخش یافته		
	مطلق	% واریانس	% تجمعی	مطلق	% واریانس	% تجمعی	مطلق	% واریانس	% تجمعی
۱	۸/۱	۲۳/۲	۲۳/۲	۸/۱	۲۳/۲	۲۳/۲	۴/۷	۱۳/۶	۱۳/۶۹۱
۲	۵/۴	۱۵/۶	۳۸/۹	۵/۴	۱۵/۶	۳۸/۹	۴/۷	۱۳/۶	۲۷/۳۶۱
۳	۴/۵	۱۲/۸	۵۱/۷	۴/۵	۱۲/۸	۵۱/۷	۴/۲	۱۲/۱	۳۹/۵۳۵
۴	۲/۸	۸	۵۹/۸	۲/۸	۸	۵۹/۸	۳/۶	۱۰/۳	۴۹/۸۳۸
۵	۲/۱	۶/۱	۶۵/۹	۲/۱	۶/۱	۶۵/۹	۳/۲	۹/۲	۵۹/۰۴۵
۶	۱/۹	۵/۴	۷۱/۴	۱/۹	۵/۴	۷۱/۴	۲/۳	۶/۶	۶۵/۷۰۶
۷	۱/۸	۵/۳	۷۶/۸	۱/۸	۵/۳	۷۶/۸	۲/۲	۶/۳	۷۲/۰۸۳
۸	۱/۵	۴/۵	۸۱/۳	۱/۵	۴/۵	۸۱/۳	۲/۱	۶/۲	۷۸/۳۲۹
۹	۱/۳	۳/۷	۸۵/۱	۱/۳	۳/۷	۸۵/۱	۱/۸	۵/۲	۸۳/۵۴۲
۱۰	۱	۳	۸۸/۲	۱	۳	۸۸/۲	۱/۶	۴/۶	۸۸/۲۰۴

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰

نتیجه‌ی چرخش نهایی از این تحلیل شامل ده عامل اصلی است که به‌ترتیب مقدار بارعاملی آنها، از زیاد به کم،

شماره‌گذاری می‌شوند.

عامل اول که قوی‌ترین عامل جدول شماره‌ی ۳ بوده و گویای تأثیر توأمان پشتکار کارآفرین با قدرت پیاده‌سازی

آنچه را که در ذهن به تصویر می‌کشد، است که نام خود را از بالاترین بار عاملی گویه گرفته است و از عوامل فردی

مؤثر بر کارآفرینی می‌باشد. پشتکار فکورانه می‌تواند به کارکنان و اعضا، در رابطه با این که چگونه کار را پیش ببرند،

دیدگاه قدرتمندی اعطا کند (Hrivnak, Sherman, 2010: 198). در این عامل نشانه‌هایی که از تأثیر عامل مهارت

دیده می‌شود به‌دلیل اهمیت این عامل در راه‌اندازی و ایجاد کسب‌وکار است که در ترکیب با مؤلفه‌ای قوی از عامل

پشتکار قرار گرفته است.

جدول ۳. تفسیر عوامل و نام‌گذاری آنها بر اساس جدول شماره ۱

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	عامل	گویه های پرسشی
کنترل درونی	احساس موفقیت	خلاقیت	تجربه‌های قبلی	استقلال فردی	آموزش و الگوی نقش	مهارت	مالی	سازمانی	پشتکار		
									۰/۹	توان استفاده از ابزار و لوازم مورد نیاز در ساخت	۱
									۰/۹	توانایی پیاده‌سازی تصویر ذهنی تا نهایی شدن نوآوری	۲
									۰/۹۸	توانایی انجام امور	۳
									۰/۷۶	میزان دسترسی به ابزار و لوازم مورد نیاز	۴
									۰/۷۲	ایجاد زمینه و تلاش برای پرورش خلاقیت	۵
								۰/۶۹		میزان همکاری سازمان‌ها	۶
								۰/۸۹		گسترش سازمان‌های مرتبط	۷
								۰/۷۴		میزان دسترسی به سازمان‌ها	۸
								۰/۹۱		گسترش اتحادیه‌ها و اصناف	۹
								۰/۸۷		میزان دسترسی به اتحادیه‌ها و اصناف	۱۰
							۰/۵۲			توان مدیریت	۱۱
							۰/۵۸			تمایل به شراکت و کار گروهی	۱۲
							۰/۸۷			میزان دسترسی به سرمایه	۱۳
							۰/۸۲			کمک‌های مالی اطرافیان	۱۴
							۰/۸			میزان دسترسی به اعتبار	۱۵
						۰/۹۴				توانایی تجسم شکل نهایی نوآوری مورد نظر	۱۶
						۰/۹۴				مطلوبیت نوآوری در پایان کار	۱۷
						۰/۹				ارتباط با سازمان‌ها و ارگان‌ها	۱۸
					۰/۵۱					آموزش ضمن خدمت	۱۹
					۰/۸۱					سابقه‌ی وجود کارآفرین در خانواده	۲۰
					۰/۶۱					دسترسی به مشاوره کارشناسان	۲۱
					۰/۷۹					برگزاری کلاس‌های مربوط در منطقه	۲۲
				۰/۸۸						مدیریت مستقل امور	۲۳
				۰/۵۲						استقلال در انجام معاملات	۲۴
				۰/۷۵						توان رقابت	۲۵
			۰/۸۱							تجربه‌ی شکست	۲۶
		۰/۵۴								توان کنترل شرایط بحرانی	۲۷
		۰/۸۸								تأثیر نوآوری در موفقیت	۲۸
	۰/۸۲									موفقیت در زندگی	۲۹
۰/۸۳										علاقه به کسب موفقیت‌های تازه	۳۰

عامل دوم، عامل سازمانی است و نقش و اهمیّت عناصر متشکله‌ی مربوط به این عامل محیطی را در فضاهای روستایی ناحیه مورد مطالعه می‌رساند. بنابراین فضای کسب‌وکار روستایی هنوز به عملکرد سازمان‌ها وابستگی دارد و کارآفرینان تأثیر تصمیم‌های قانونی و نهادی را بر کار خود به خوبی درک می‌کنند.

عامل سوم، مربوط است به اجزایی که با هم عامل مالی و اقتصادی را تشکیل می‌دهند. میزان نقش و تأثیر این عامل که از عوامل محیطی کارآفرینی است، در راه‌اندازی و تداوم فعالیت کارآفرینی بر کسی پوشیده نیست و اشاره کارآفرینان هم به این مورد است.

عامل چهارم، تحت تأثیر بار عاملی ناشی از گویه‌های عامل مهارت است که در دسته‌بندی صورت‌گرفته در این تحقیق، جزء عوامل فردی است و بدون بهره‌مندی از یک مهارت خاص نمی‌توان کارآفرین بود. بهره‌مندی از یک تخصص ویژه در ساخت و تولید یک کالا یا ارائه‌ی خدمت علاوه بر کسب تجربه، نیاز به آموزش دارد، در غیر این صورت نمی‌تواند اثرگذاری لازم را در کار داشته باشد (Serpell & Ferada, 2007: 586).

عامل پنجم، بر تأثیر یکی دیگر از عوامل محیطی تأکید می‌کند و آن عامل آموزش و الگوی نقش است. صاحب‌نظران بسیاری بر این باور هستند که کارآفرینی امری قابل آموختن است. کارآفرینان بر این نیاز تأکید کرده‌اند و تأیید مجددی بر این اعتقاد صورت پذیرفته است.

عامل ششم، تأییدکننده‌ی نظر گروهی از پژوهشگران است که استقلال طلبی کارآفرین را یکی از عوامل درونی برانگیزاننده برای ایجاد یک کسب‌وکار مستقل می‌دانند. استقلال، عاملی است که سبب می‌شود تا کارآفرینان به اهداف و رویاهای خود دست یابند (احمدپور و مقیمی، ۱۳۸۷: ۶۹).

عامل هفتم، به تجربه‌های قبلی کارآفرین مربوط می‌شود. این عامل نشان می‌دهد که کارآفرینان از تجربه‌های ناموفق قبلی خود به نفع کسب‌وکار فعلی بهره می‌برند.

عامل هشتم که خلاقیت است، از نظر تمامی صاحب‌نظران حوزه‌ی کارآفرینی یکی از پایه‌های اصلی برای شروع و اقدام کارآفرینانه به‌شمار می‌آید. این عامل از مجموعه‌ی استعدادهای فردی، با بارگذاری قابل توجهی که از نتایج پاسخ کارآفرینان به‌وجودآمده، گویای میزان اهمیّت این عامل در توانمند شدن افراد برای ایجاد و توسعه‌ی کارآفرینی است.

عامل نهم، داشتن احساس موفقیت است، آنچه که به کارآفرین در تداوم مسیری ناشناخته توان می‌بخشد. از این عامل به‌عنوان انگیزش ذاتی^۱ یاد شده و مبتنی بر علاقه‌مندی به کارآفرینی و لذت بردن از کارآفرینی یا نیاز به کارآفرینی است (امیری و مرادی، ۱۳۸۷: ۴۸). مک‌کلاند استدلال می‌کند، توسعه‌ی اقتصادی در سطح ملی تا اندازه‌ای زیر نفوذ تأثیر کوشش‌های مردم یک کشور برای کسب موفقیت است (حنیفی و رحیمی، ۱۳۸۸: ۸۰).

عامل دهم، بهره‌مندی از مرکز کنترل درونی است. وجود این عامل در شخصیت کارآفرین باعث می‌شود خود را مسئول تمامی اتفاقات خوب و بد بداند، و با تکیه بر این عامل از ناکامی‌ها جلوگیری نموده و برای پیروزی‌های تازه

برنامه‌ریزی کند. کارآفرینان اعتقاد دارند، بهره‌مندی از این ویژگی فرد را برای ایجاد و توسعه‌ی کارآفرینی پویا و توانمند می‌سازد.

نتایج حاصل از داده‌پردازی نقطه‌نظرات مربوط به گروه کنترل که در جدول شماره‌ی ۴ درج شده‌است، گویای بخش دیگری از واقعیت‌های حاکم بر فضای کسب‌وکار روستایی است.

جدول ۴. عوامل مؤثر توانمندی روستاییان برای کارآفرینی از نظر گروه کنترل

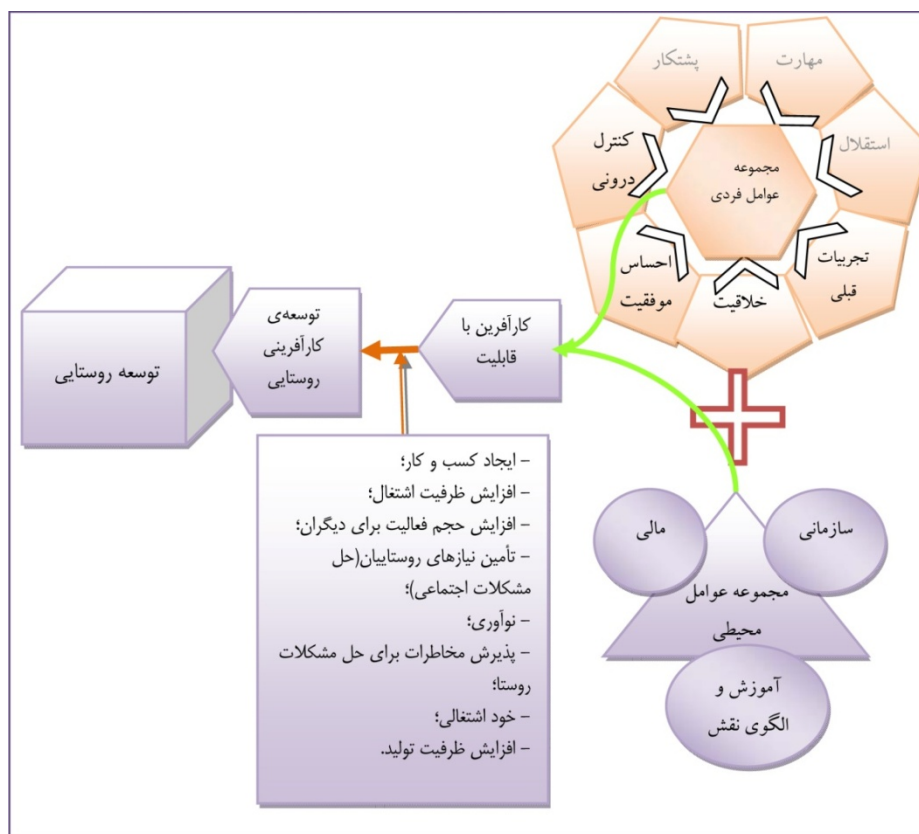
عامل	گویه‌های پرسشی						
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
	سازمانی	منابع مالی و اقتصادی	مهارت و دانش	خانوادگی	عزت نفس	مشارکت اجتماعی	زیرساختی
۱	گسترش اتحادیه‌ها و اصناف	۰/۹۳۱					
۲	گسترش سازمان‌های مرتبط	۰/۸۸					
۳	میزان دسترسی به سازمان‌ها	۰/۸۷					
۴	میزان دسترسی به اتحادیه‌ها و اصناف	۰/۸					
۵	تأثیر تسهیل قوانین در افزایش کارآفرینی	۰/۸					
۶	میزان همکاری سازمان‌ها	۰/۷۸					
۷	تأثیر خدمات حمایتی بر توسعه‌ی کارآفرینی	۶۷					
۸	میزان دسترسی به سرمایه	۰/۹۳					
۹	میزان دسترسی به اعتبار	۰/۸۲					
۱۰	مقبولیت نزد دیگران	۰/۸۴					
۱۱	تمایل به ارتباط فAMILI	۰/۸					
۱۲	مدیریت مستقل امور	۰/۷۷					
۱۳	موفقیت در زندگی	۰/۷۳					
۱۴	توانایی انجام امور	۷۳					
۱۵	استقلال در انجام معاملات	۰/۷۳					
۱۶	میزان مطالعه کتب		۰/۸۶				
۱۷	توان استفاده از ابزار و لوازم مورد نیاز در ساخت		۰/۹				
۱۸	تأثیر خانواده بر پرورش خلاقیت		۰/۹				
۱۹	توان کنترل شرایط بحرانی		۰/۷۸				
۲۰	احساس رضایت فردی		۰/۹۱				
۲۱	حس کمک به دیگران		۰/۸۵				
۲۲	میزان دسترسی به ابزار و لوازم مورد نیاز					۰/۸۵	

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۰.

در این تحلیل مانند آنچه در تحلیل نظر کارآفرینان بود، عامل سازمانی همچنان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در توان دستیابی به موفقیت در اقدام کارآفرینانه است. در این بررسی منابع مالی در مرتبه‌ی دوم عاملیت برای توانمندی روستاییان به‌منظور دستیابی به اقدام پیروزمندانه کارآفرینی قرار دارد. در دیدگاه این گروه استقلال فردی جایگاه مناسبی

ندارد، به‌گونه‌ای که نتوانسته به‌طور مستقل روی یکی از عوامل در این تحلیل بارگذاری نماید. عوامل دیگری نیز وجود دارند که بر روی عامل دوم بارگذاری کرده‌اند؛ اما به‌سبب مقدار کمتری که دارند، این عامل به منابع مالی و اقتصادی اختصاص پیدا می‌کند. عامل سوم گویای آن است که گروه کنترل نیز عامل مهارت را در کنار افزایش دانش، در تأسیس و توسعه کسب‌وکار مؤثر می‌دانند. همچنین اعتقاد دارند، عامل خانواده در پرورش شخصیت کارآفرین در افراد نقش به‌سزایی دارد. بنابراین در عامل چهارم میزان تأثیر خانواده را از دیدگاه گروه کنترل مشاهده می‌نماییم. عامل پنجم در ایجاد و توسعه‌ی کسب‌وکار از نظر گروه کنترل، عزت نفس است و عامل ششم تأکید بر لزوم برخورداری کارآفرین از حس مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری در رابطه با فضای بیرونی و اجتماع می‌باشد. گروه کنترل در هفتمین و آخرین عامل دسترسی به زیرساخت‌های مرتبط و مورد نیاز را از ضرورت‌های کسب موفقیت در اقدام کارآفرینانه برشمرده‌اند.

نوع روابط حاکم بر عوامل مؤثر در توانمندی و قابلیت روستاییان مندرج در شکل شماره‌ی ۴ به‌گونه‌ای است که در صورت مهیا بودن آنها انتظار می‌رود، شرایط لازم برای دستیابی به کارآفرینی تسهیل گردد و درنهایت امر، شاخص‌هایی مانند افزایش ایجاد کسب‌وکار، افزایش ظرفیت اشتغال، افزایش حجم فعالیت برای دیگران، خود اشتغالی و افزایش ظرفیت تولید در محیط‌های روستایی به‌وجود آیند. اجتماع همه یا بیشتر این شاخص‌ها در یک ناحیه روستایی مسیر پیش روی و آینده‌ی کارآفرینی روستایی را به سمت توسعه تعیین می‌کند یا به عبارتی این همان توسعه‌ی روستایی مورد انتظار است.



شکل ۴. مدل برآمده از نتایج داده‌پردازی از پرسشنامه‌ی کارآفرینان

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها در این تحقیق بر تأثیر عوامل فردی و محیطی بر توانمندی کارآفرینان دلالت دارد. عوامل محیطی عبارت‌اند از: عامل سازمانی، عامل آموزش و الگوی نقش و عامل مالی، و عوامل فردی عبارت‌اند از: عامل پشتکار، مهارت، استقلال فردی، تجربه‌های قبلی، خلاقیت، احساس موفقیت و کنترل درونی که مجموعه تشکیل دهنده‌ی عناصر توانمندی کارآفرینی روستاییان را تشکیل می‌دهند. بررسی نظر گروه کنترل اهمیت و تأثیر تعدادی از این عوامل را تأیید می‌نماید؛ اما در مجموع عوامل مؤثر در توانمندی روستاییان برای کارآفرینی از نظر آنان محدودتر از عواملی هستند که از نظر کارآفرینان مؤثر شناخته شده‌اند. در مقایسه این دو دسته از عوامل به‌طور کلی همسویی مشاهده می‌گردد.

به‌رغم تأکید بسیاری از صاحب‌نظران حوزه‌ی کارآفرینی بر اهمیت خلاقیت در کارهای کارآفرینانه، از نتایج به‌دست آمده از این تحلیل چنین موردی دریافت نمی‌نماییم و این ممکن است به علت تسلط بیش از اندازه‌ی سایر عوامل به‌خاطر شرایط خاص حاکم بر کارآفرینان روستایی در این ناحیه باشد.

بیشتر کارآفرینان حاضر در ناحیه‌ی مورد مطالعه از نیروی محرکه‌ای به نام انگیزش و پشتکار بهره‌برده‌اند. در همین حال نیاز واقعی خود را برای حمایت‌های بیشتر سازمانی و صنفی ابراز نموده‌اند.

در بررسی دقیق‌تر از عوامل به‌دست آمده از مجموعه عوامل فردی این‌طور برداشت می‌شود که حتی از ابعاد فردی کارآفرینی عواملی نظیر مهارت، آموزش و الگوی نقش، در اولویت قرار گرفته‌اند که به نوعی زیر نفوذ محیط و جو حاکم بر فرد هستند. دلیل این امر ممکن است در عدم کفایت نظام آموزشی برای پرورش و بهره‌برداری از نیروی خلاقیت باشد. تحت این شرایط افراد به‌طور کاملاً سنتی به سمت کارآفرین شدن گرایش پیدا می‌کنند که در این شرایط بسیاری از استعدادها به هدر می‌روند.

گروه کنترل آشنایی محدودتری با کارآفرینی و عوامل مؤثر بر توانمندی برای ایجاد و توسعه کارآفرینی دارند و عوامل ذکر شده از نظر آنان تا حدودی عمومی‌تر از عواملی هستند که از طرف کارآفرینان بیان شده‌اند.

براساس یافته‌های این تحقیق، بخش‌های سازمانی، نهادی، اصناف و قانون‌گذاری به خاطر اهمیتی که بر توانمندی کارآفرینان روستایی دارند، برای توجه به تجدید نظر اصلاحی، رفع نواقص قانونی و ضعف‌های کارکردی در اولویت قرار دارند. از آنجایی که در این تحقیق مشخص گردیده کارآفرینان روستایی، پشتکار را یکی از مهم‌ترین عوامل شایستگی کارآفرینانه خود می‌دانند و تکیه‌ی بیش از حد کارآفرین بر نیروی پشتکار و علاقه و انگیزه‌ی فردی می‌تواند، زمینه‌های آزمون و خطاهای متعدّد را فراهم کند، پیشنهاد می‌شود، مسئولان امر در جهت تغییر این روند تلاش نموده و توسعه عواملی چون مهارت، آگاهی و خلاقیت را در دستور کار آموزشگاه‌ها، آموزش‌های ضمن خدمت و آموزش‌های ضمنی از طریق رسانه‌های عمومی فراگیر (رادیو سپس تلویزیون) قرار دهند.

منابع

- Abbaszadegan, S. M. & Fotovvat, A., 2005, **Application of Reliability & Validity in Research**, Cultural Research Bureau Publication, Tehran. *(In Persian)*
- Ahmadpuor, M., Moghimi, S. M., 2008, **Fundamental of Entrepreneurship**, Tehran University Publication, Tehran. *(In Persian)*
- Amiri, A.L. & Moradi, Y., 2008, **Scholars Entrepreneurial Views and that's Impediments**, Journal Ofresearchandin Higher Education, No. 49, PP.45-67. *(In Persian)*
- Broehl, W.G., 2009, **Entrepreneurshipin Less Developed World**, Translated by A. Rezayat, Encyclopedia of Entrepreneurship, Iran Encyclopedia Compiling Foundation.
- Chowdhury, M.S., 2007, **Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh**, Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, Vol. 1, No. 3, PP. 240-251.
- Falihi, N., 2000, **Survey of Rural Labor Market and How to Predict it to the End of Third Program**, Eqtesad-e Keshavarzi Va Towse e, Vol. 8, No. 29, PP. 210-230. *(In Persian)*
- Fazelbaigi, M.M & Yavari GH. R., 2009, **The Role of Cooperatives in Entrepreneurship Development**, Ta'avon, Vol. 204- 205, PP. 42-62. *(In Persian)*
- Golrod, P., 2005, **Factors Affecting Women Entrepreneurship Development**, Womanin Developmentand Politics (Women's Research), Center For Women's Studies, University of Tehran.
- Government Site of Malayer, 2010, Malayer-hm.ir.
- Hanifi, F. & Hoseinrahimi, M., 2009, **Relationship between Career Motivation Elementary School Administrators with their Level of Performance in Roudehen and Boumehen Cities**, Journal of Research Education management, No. 1, PP. 75-88. *(In Persian)*
- Hrivnak, G. A., Sherman, C. L., 2010, **The Power of Nascence: Realizing the Potential of Service-learning in an Unscripted Future**, International Journal of Organizational Analysis, Vol. 18, No. 2, PP. 198-215.
- Kairzner, E. M., 2009, **The Theory of Entrepreneurship in Economic Growth**, by A. Rezayat, Encyclopedia of Entrepreneurship, Iran Encyclopedia Compiling Foundation, Vol., 2, PP. 1442-1445.
- Khaki, GH. R., 2008, **Research Method**, Baztab Publication, Tehran. *(In Persian)*
- Kline, P., 2002, **An Easy Guide to Factor Analysis**, Translated by J. Sadrossadat & A. Minaei, Samt Publication, Tehran. *(In Persian)*
- Mahmoudi, V., 2006, **Human Capital, Human Empowerment**, Political-economic in Formation, Vol. 225- 226, PP. 220-227. *(In Persian)*
- Mahmoudi, V., 2009, **Human Empowerment and Development**, Political-economic in Formation, Vol. 259- 260, PP. 124-131. *(In Persian)*
- Malek Mohammadi, H.R. & Ghalaji, H., 2008, **Rethinking of The Interaction Between Political System and Bureaucracy**, Political Quarterly, Vol. 38, No. 1, PP.268- 280. *(In Persian)*

- Mehralizadeh, Y. & Chinipardaz, R., 2005, **Methods of Statistical Data Analysis and Hypothesis Testing in Social Sciences And Management**, Aeezh Publication, Tehran. *(In Persian)*
- Minniti, M., Le Vesque, M., 2008, **Recent Developments in the Economics of Entrepreneurship**, Journal of Business Venturing, No. 23, PP. 603-612.
- Motiee Langroudi, H. & Ardshiri, A. R., 2007, **Create Consequences in the Agricultural Processing Industries in Rural Development Amol Central Division**, Human Geography Research Quarterly, No. 61, PP. 1-15. *(In Persian)*
- Najarzadeh, M. & Rezvani, M.R., 2009, **Study and Analysis of Villagers, Background Knowledge on Entrepreneurship in the Process of Rural Development Case Study: South Baraan District (Isfahan County)**, Journal of Entrepreneurship Development, Vol. 1, No. 2, PP.161-182. *(In Persian)*
- Petrin, T., Gannon, A., 1997, **Rural Development through Entrepreneurship**, Rome: Fao Regional Office for Europe.
- Roknodin Eftekhri, A., Taherkhani, M. & Sojsi Ghidari, H., 2009, **Dimension and Factors Affecting the Development of Agricultural Entrepreneurship in Iran: A Case Study of Khodabandeh County**, Roosta Va Towse'e, Vol. 12, No.3, PP.43-72. *(In Persian)*
- Roudafshan, N., 2005, **Impact Of globalization on women's Empowerment**, M.A. Dissertation Modarres University, Tehran. *(In Persian)*
- Sarmad, Z., Bazargan, A. and Hejazi, E., 2008, **Research Methodology in Behavior Sciences**, Agah Publication, Tehran. *(In Persian)*
- Serpell, A., Ferrada, X., 2007, **A Competency- based Model for Construction Supervisors in Developing Countries**, Personnel Review, Vol. 36, No. 4, PP. 585-602.
- Smith, A. E., 2002, **Enhancing Community Assets**, Southern Perspectives, Vol. 5, No. 4, PP. 9-11.
- Stathopoulou, S., Psaltopoulos, D., Skuras, D., 2004, **Rural Entrepreneurship in Europe, A Research Framework and Agenda**, International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, Vol. 10, No. 6, PP. 404-425.
- Stockdale, A., 2006, **Migration: Pre- Requisite for Rural Economic Regeneration?** Journal of Rural Studies, Vol. 22, No. 3, PP. 354-366.
- Taherkhani, M., 2002, **Recognition of Effective Factors on Rural Youth Migration (RYM) (Theoretical Analysis with Emphasis on Rural Youth Migration of Qazvin Province)**, Modarres Human Sciences, Vol.6, No.2, PP.41- 60. *(In Persian)*
- Yadollahi Farsi, J., Razavi, M. & Zali, M. R., 2010, **Assessment of Entrepreneurial Activities Based on The GEM Model During 2008- 2009 In Iran**, Labor and Social Security Institute. *(In Persian)*
- Ziaee, M. S., Nargesian, A. and Aibaghi-e Esfahani S., 2008, **The Role of Spiritual Leadership on Human Resource Empowerment in the University of Tehran**, Iranian Public Administration, Vol. 1, No. 1, PP. 67-76. *(In Persian)*